Vol. 13 | No. 3439 | Mon. Oct 19 . 2026 | دوشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۵ | ۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۳۹ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

آتش‌بس بدون صلح و طرحی برای خروج از جنگ

بن بست دیپلماسی باز می‌شود؟

صفحه ۲

رییس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی تشریح کرد

شرط وزارت ارتباطات برای افزایش تعرفه اینترنت

صفحه ۶

پزشکیان در هشتمین جلسه شورای اطلاع‌رسانی دولت:

بی‌نیازی از واردات بنزین

با همراهی مردم از واردات ۱۲ میلیارد دلار بنزین بی‌نیاز شدیم

درآمد افزایش قیمت، صرفه‌جویی و مدیریت مصرف به مردم پرداخت می‌شود

صفحه ۲

یادداشت-۱

وقتی «فقر» در مینی‌بوس می‌خوابد!

حسین حقگو

رییس شورای شهر تهران از مینی‌بوس خوابی عده‌ای در همین شهر گلایه کرد. آقای چمران گفت: «هر روز می‌بینیم که یک یا دو مینی‌بوس در این خیابان مستقر هستند. مسافران در این مینی‌بوس استراحت می‌کنند و هر صبح که برای حضور در شورا از این مسیر عبور می‌کنیم، این افراد با لباس خواب از مینی‌بوس بیرون می‌آیند و رختخواب‌های خود را جمع می‌کنند.» وی البته تاکید می‌کند که این وضعیت محدود به یکی، دو روز نیست و ماه‌هاست ادامه دارد و فقط هم به گفته وی به این خیابان ختم نمی‌شود مثلا در محدوده میرداماد نیز «هفت یا هشت نفر در خیابان می‌خوابند و پس از رفتن، فضای خود را به دیگران می‌فروشند و به سراغ مسافرکشی می‌روند» و بعد هم انتقاد خود را به «گسترش دستفروشی در پایتخت» می‌کشاند و اینکه «شهرداری جلوی آنها را نمی‌گیرد و هر چه وضعیت رها شود، بدتر خواهد شد و نگرانم روزی مردم از همه روستاها به تهران بیایند و دستفروشی کنند و...» (ایسنا- ۷/۲۱) نگرانی‌ای که دهه‌هاست، واقعیتی بدیهی و روزمره یافته و ظاهرا رییس شورای شهر تازه با آن مواجه شده که این تاخر زمانی طولانی چنده ده ساله برای رییس شورای شهر پایتخت امری بسیار عجیب و «نگران» کننده است. شاید قرار گرفتن این واقعیات جاری روزمره بسیار تلخ در مسیر رفت و آمد و کار رییس شورا، تصور جدید و قریب بودن این وضعیت خواب و معاش یا زندگی و معیشت را در رییس محترم شورای شهر ایجاد کرده است. در همین روزها شهردار تهران طرح «تورم صفر» را کلید زد که طبق آن قرار است قیمت ۱۲ قلم کالای اساسی و پرمصرف مانند برنج، گوشت، روغن، حبوبات، ماکارونی، سویا، شکر و... به مدت ۶ ماه ثابت شود و البته نقدهای بسیاری و از جمله مهم‌ترین آنها نحوه تامین منابع مالی را برانگیخت. همچنین در همین روزها شاهد اعلام تصمیم دولت برای افزایش ۵۰ درصدی یارانه ۴۰ درصد از مشمولان کالابرگ بوده‌ایم که آن نیز غیر از دردسرها و هزینه‌هایی که برای ثبت‌نام برای مردم در برداشته همچون طرح شهرداری، موضوع منابع مالی را برجسته کرده و فرض تامین این منابع از محل مابه‌التفاوت فروش دو میلیارد دلار را ایجاد نموده است. در واقع اقتصاد ایران از یک سو با انبوه یارانه‌ها که رقم آن را در بودجه سال گذشته حدود ۴۹۵۰ همت معادل ۲۱ درصد بودجه کشور تخمین می‌زنند («اگر یارانه پنهان را به این رقم اضافه کنیم عددش از کل بودجه دولت فراتر می‌رود» -رییس سازمان هدفمندی یارانه‌ها- ۱۴۰۵/۶/۵) مواجه است و از سوی دیگر موضوع «فقر» است که همچنان با سرعتی عجیب در حال حل و هضم کردن تمامی اقشار جامعه و دهک‌های درآمدی است و شاید به جز جمعیت‌هایی اندک در طبقات بالا و متوسط بالا، سایر مردم را به درون چاله سیاه خود کشیده و می‌کشد، چنان که حدود ۹ ماه قبل و قبل از جنگ ۴۰ روزه و تشدید رکود تورمی پس از آن، رییس سازمان بهزیستی کشور عنوان می‌کند: «تا سال ۱۳۹۷ به مدت ۱۰ سال نرخ فقر ۲۰ درصد بود و در سال ۹۸ به ۳۰ درصد رسید که در سال ۱۴۰۳ به ۴۰ درصد رسید و تحلیل‌ها می‌گویند امکان اینکه ۱۰ درصد دیگر اضافه شود، وجود دارد و با پدیده عمومی شدن فقر مواجهیم یعنی الان جمعیت فقیر مطلق به دو برابر افزایش یافته است و این یعنی ۱۶ میلیون فقیر به ۳۴ میلیون نفر رسیده است و ۴۰ درصد زیر خط فقر مطلق داریم.» (رییس سازمان بهزیستی- ۱۴۰۴/۱۰/۲۲) گستره این فقر در شهرهای کوچک و روستاها به واسطه نبود کار و درآمد، بیشتر و در شهرهای بزرگ و به خصوص پایتخت به واسطه وجود امکانات وسیع‌تر بازار کار، این فقر کمتر ملموس است. هر چند که پایتخت در معرض خطرات و تهدیدهای جنگی بیشتر است (پرتاب ۲۳ هزار تن بمب طی ۱۳۰۰ حمله به تهران طی جنگ اخیر و اینکه ۴۵ درصد حملات به کشور مان به تهران بوده است -استاندار تهران- ۷/۲۱) و هزینه‌های مسکن در آن سه چهار برابر شهرستان‌هاست: «میانگین قیمت متری ۲۰۰ میلیون تومان مسکن در تهران و ۵۳ میلیون تومان در سایر شهرها (دبیر دفتر اقتصاد وزارت مسکن- ۱۴۰۵/۷/۲۵)، اما با تمام این مصیبت‌ها، ترجیح بسیاری از شهرستانی‌ها مهاجرت به تهران و زندگی در سخت‌ترین شرایط مانند دستفروشی و مینی‌بوس‌خوابی است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی در سال گذشته به صراحت از شکست این گونه سیاست‌های بازتوزیعی سخن گفت و کارشناسان و نهادهای معتبر اقتصادی داخلی و بین‌المللی نیز راه‌حل فقر جامعه ثروتمند ایران را در گروی رشد و بهره‌وری بالا، ناشی از افزایش سرمایه‌گذاری و اصلاحات ساختاری در نظام بودجه‌ریزی، ارزی، مالیاتی، بانکی و دست برداشتن از سیاست سرکوب قیمت‌ها و... عنوان می‌کند. اکنون اما با تشدید تحریم‌های ظالمانه و آتش‌بس شکننده و عدم قطعیت‌ها و نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی و بدون تغییر رویکردهای نظام حکمرانی و ایجاد فضای آرام و امن و تفاهم و توافق و آغاز اصلاحات ساختاری در فضایی آزاد و رقابتی و اجتناب از سیاست‌های اقتصادی کلانی که فقر را تشدید می‌کند نمی‌توان به سیل نابودگر فقر و فلاکت پایان داد. اقدامات کوتاه‌مدت و بعضا متناقض، فقط درمان را به تاخیر و عمق زخم را بیشتر و گشنده‌تر می‌کند چنان که کرده است و با شیوع انواع بی‌خانمانی‌ها از پشت بام خوابی، موتورخانه خوابی و گورخوابی و اکنون مینی‌بوس خوابی مواجه می‌شویم که در مسیر روزمره‌مان است و نمی‌توان نادیده‌شان گرفت و بی‌خیال پشت میز مسوولیت نشست!

«تعادل» بررسی می‌کند

بورس در محاصره نااطمینانی

بازار سرمایه با ریسک‌های مختلف را داشته است و هر بار در مواجهه با این ریسک‌ها توانایی مقابله طولانی مدت با آنها را ندارد و در بسیاری موارد با خروج نقدینگی مواجه می‌شود. در اصل بازار در مواجهه با ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و تصمیمات غیر قابل پیش‌بینی بیش از آنکه بتواند نقش یک بازار قوی و بلندمدت را برای تأمین مالی و سرمایه‌گذاری ایفا کند به محلی برای تخلیه نگرانی و واکنش سریع سرمایه‌گذاران تبدیل می‌شود. به بیان ساده‌تر سرمایه‌گذاران... صفحه ۴ را بخوانید

در نشست هیات نمایندگان اتاق ایران مطرح شد

خسارت ۳۴ میلیارد دلاری تعطیلی‌ها

تعادل | در سی‌وهفتمین نشست دوره دهم هیات نمایندگان اتاق ایران، فعالان بخش خصوصی با طرح مجموعه‌ای از انتقادها و تذکرات، نسبت به تشدید فشار بر تولید، ناترازی انرژی، مشکلات تأمین مالی، مقررات بازگشت ارز صادراتی و کاهش قدرت رقابت کالاهای ایرانی هشدار دادند. برآورد خسارت ۳۴ میلیارد دلاری تعطیلات اجباری و اختلال‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۴، از مهم‌ترین محورهای این نشست بود. نمایندگان بخش خصوصی همچنین خواستار اصلاح سیاست‌های داخلی، شفافیت در عملکرد اتاق ایران و پیگیری عملی مطالبات فعالان اقتصادی شدند. بهرام شکوری، رییس کمیسیون معدن و صنایع معدنی اتاق ایران، با انتقاد از فشار همزمان محدودیت‌های خارجی و مشکلات داخلی بر تولیدکنندگان، تأکید کرد: «تولیدکننده ایرانی امروز در دو محاصره... صفحه ۷ را بخوانید

یادداشت-۲

بهمن اکبری

خیابان، آینه بحران حکمرانی

اعتراضات دانش‌آموزی در فرانسه که این روزها به چند پایتخت اروپایی سرایت کرده، تنها یک بحران آموزشی یا معیشتی نیست، نشانه‌ای از یک بحران مشترک در اولویت‌های بودجه‌ای و اقتصادی است. دولت‌ها زیر فشار کسری بودجه و بدهی عمومی، هزینه‌های خدمات عمومی را کاهش می‌دهند و در این میان، این نسل جوان است که هزینه اصلی را می‌پردازد: از کلاس‌های پرجمعیت و کمبود معلم در پاریس تا بحران مسکن در آتن و افزایش شهریه در بروکسل. آنچه در خیابان‌های اروپا می‌گذرد، نه صرفا «سرایت اعتراض» بلکه بازتاب یک معادله سیاسی مشترک است: وقتی دولت‌ها میان تعهدات مالی و سرمایه‌گذاری در آینده، اولی را انتخاب می‌کنند، خیابان به آخرین میز گفت‌وگو تبدیل می‌شود. خیابان در فرانسه این روزها فقط محل عبور نیست؛ آینه است. آینه‌ای که در آن می‌توان هم بحران یک الگوی حکمرانی را دید و هم تناقض میان گفتار و کردار بازیگرانی را که سال‌ها خود را معیار حقوق بشر، آزادی و دموکراسی معرفی کرده‌اند. اعتراضی که از دبیرستان «سنت-اگزوپری» در منطقه کرتی آغاز شد، به سرعت به دو سوم دبیرستان‌ها و بیش از سه چهارم دانشکده‌ها رسید و با پیوند جلیقه‌زردها، دانش‌آموزان، دانشجویان و اتحادیه‌های کارگری، دولت را به آماده‌باش کامل کشاند. این دیگر یک مساله صنفی نیست؛ پرسشی است درباره کیفیت نمایندگی سیاسی، عدالت اجتماعی و ظرفیت دولت برای شنیدن صدای جامعه.

مطالبات اولیه روشن و مدنی بودند: کمبود معلم، کلاس‌های پرجمعیت (بیش از ۳۰ دانش‌آموز در ۷۰ درصد کلاس‌ها)، فرسودگی مدارس، گرانی و افت قدرت خرید. اما آنچه واکنش دولت را برانگیخت، شکل‌گیری یک «همگرایی خشم‌ها» بود. وقتی اعتراض دانش‌آموزی با جلیقه‌زردها و اتحادیه‌ها پیوند می‌خورد، از یک مطالبه بخشی به پرسشی ملی درباره اولویت‌های بودجه‌ای تبدیل می‌شود. اینجاست که «سرکوب» جای «گفت‌وگو» را می‌گیرد و ستاد بحران جای میز مذاکره را. نکته ساختاری این است که فرانسه امروز در تناقضی مالی گرفتار است: براساس گزارش‌های منتشر شده در ایرنا، این کشور تا پایان سه ماهه دوم ۲۰۲۶ به حدود ۳۵ هزار و ۹۵۰ میلیارد یورو، معادل ۱۱۹ درصد تولید ناخالص داخلی، رسیده است. دولت همزمان وعده افزایش ۱.۲ میلیارد یورویی بودجه آموزش را می‌دهد و در چارچوب کلی ریاضت، از تأمین مالی کامل وعده‌ها بازمی‌ماند. همین شکاف میان وعده و توان مالی، اعتراض را از «شرایط آموزش» به «اولویت‌های بودجه» می‌کشاند. گزارش‌های مربوط به جراحات شدید معترضان، تصویری نگران‌کننده ارایه می‌دهند. براساس گزارش‌های منتشر شده، «وان»، نوجوان ۱۵ ساله در شهر لنس، بر اثر انفجار نارنجک پلیس دست خود را از دست داد؛ مقام‌های محلی گفته‌اند او نارنجک را برداشته، اما شاهدان عینی گفته‌اند نارنجک به سمت او پرتاب شده و دادستان محلی اعلام کرده است که فعلا نمی‌تواند تعیین کند کدام روایت درست است. در پی این حادثه، دولت استفاده از نارنجک‌های گیج‌کننده را موقتا متوقف کرد. «مائل»، نوجوان ۱۶ ساله در تور، بر اثر اصابت گلوله سلاح دفاعی (LBD) بینایی چشم راست خود را از دست داد. دادستان تور اعلام کرد که زخم او «با برخورد گلوله‌های دفاعی انفجاری مطابقت دارد» و خانواده‌اش با طرح شکایت، تاکید کردند او «هیچ‌گونه مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در فعالیت سیاسی نداشته و تنها نوجوانی بوده که در ماجرا گرفتار شده است.» در حادثه‌ای سوم، «اِدن» ۱۴ ساله در سن-وان-لومون از فاصله حدود ۱۵ متری با گلوله‌ای به صورت هدف قرار گرفت که به گفته مادرش، دندان‌های بالایش شکسته و دندان‌های پایینش از جا کنده شده و توان سخن گفتن ندارد. این حوادث پرسش‌هایی جدی درباره تناسب استفاده از زور، مسوولیت ماموران و سازوکارهای نظارت بر پلیس مطرح می‌کند. در نظام حقوقی مبتنی بر حاکمیت قانون، پلیس نه بیرون از قانون، بلکه در چارچوب آن عمل می‌کند. ضرورت، تناسب، پاسخگویی و امکان رسیدگی مستقل به شکایت‌ها معیارهایی‌اند که مشروعیت استفاده از زور را تعیین می‌کنند. نوجوان بودن معترض، به‌خودی خود مصونیت از قانون ایجاد نمی‌کند؛ همان‌گونه که مامور بودن نیز اختیار نامحدود نمی‌دهد. اگر استفاده نامتناسب از زور رخ داده باشد، بررسی مستقل، انتشار نتایج و پاسخگویی مسوولان، نه امتیازی به معترضان، بلکه بخشی از تعهد دولت به حاکمیت قانون است. نکته مهم این است که مقام‌های فرانسوی خود به وجود این پرونده‌ها اذعان کرده‌اند. براساس گزارش‌های منتشرشده، بازرسی کل پلیس ملی (IGPN) از آغاز جنبش تا اواسط اکتبر ۳۶ پرونده تشکیل داده است که چهار مورد آن به «جراحات منجر به نقص عضو» و شش مورد به جراحت شدید مربوط می‌شود. این ارقام را می‌توان نشانه‌ای از وجود سازوکار نظارتی دانست، اما پرسش این است که آیا این سازوکار به تغییر رویه‌ها، پاسخگویی موثر و جبران خسارت می‌انجامد یا در سطح آماری متوقف می‌ماند.

◀ آینه رسانه‌ها

حقوق بشر برای همه یا فقط برای دیگران؟

یکی از مهم‌ترین ابعاد این تحولات، نحوه بازنمایی اعتراضات در رسانه‌هاست. در ادبیات بین‌المللی، واژگانی چون «اعتراض مدنی»، «آشوب»، «قیام»، «حفظ نظم عمومی» و «سرکوب» تنها توصیف‌های خنثی نیست؛ بلکه هر کدام می‌تواند چارچوبی برای فهم واقعه بسازد. رسانه‌های غربی که اعتراضات در کشورهای غیرغربی را گاه با واژگانی چون «جنبش مدنی» یا «قیام برای آزادی» روایت می‌کنند، در قبال فرانسه اغلب از «حفظ نظم عمومی» و «اقتدار دولت» سخن می‌گویند. این تفاوت واژگان، خود یک داده سیاسی براساس استانداردهای دوگانه است. البته تفاوت واژگان به تنهایی برای اثبات استاندارد دوگانه کافی نیست. شرایط میدانی، میزان خشونت، ماهیت مطالبات و کیفیت شواهد نیز باید بررسی شود. اما هنگامی که رفتارهای مشابه با معیارهای متفاوت ارزیابی می‌شود، مساله استاندارد دوگانه به‌درستی مطرح می‌شود. حقوق بشر، اگر واقعا جهانشمول باشد، نمی‌تواند به جغرافیا وابسته بماند. «حق اعتراض مسالمت‌آمیز»، «منع رفتار غیرانسانی» و «مسوولیت دولت در قبال جان و کرامت شهروندان»، اصولی نیست که در مرزهای سیاسی تغییر ماهیت دهد. با این حال، نقد استاندارد دوگانه نباید به وارونه‌سازی همان معیارها منتهی شود. نمی‌توان از سکوت برخی رسانه‌ها درباره یک بحران نتیجه گرفت که نقض حقوق شهروندان در جایی دیگر اهمیت کمتری دارد. اگر برخورد نامتناسب پلیس در پاریس محکوم می‌شود، رفتار مشابه در هر پایتخت دیگری نیز باید با... ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۴

واقعیت پشت واکنش سریع بازار سهام

فردین آقابزرگی

بازار سرمایه در شرایطی که ریسک‌های سیاسی و ژئوپلیتیک افزایش پیدا می‌کنند، معمولا یکی از نخستین بازارهایی است که واکنش خود را به تحولات نشان می‌دهد. این واکنش گاهی با افت قیمت سهام و افزایش فشار فروش همراه می‌شود و در نگاه نخست ممکن است این تصور را ایجاد کند که بورس بیش از سایر بازارها از شرایط موجود آسیب می‌بیند. با این حال، بررسی ماهیت بازارهای مختلف نشان می‌دهد که سرعت واکنش بورس را باید در ویژگی‌های ساختاری آن، به‌ویژه نقدشوندگی بالا، شفافیت اطلاعاتی و امکان ارزیابی سریع‌تر دارایی‌ها جست‌وجو کرد. در واقع، بازار سرمایه برخلاف برخی بازارهای دیگر، حتی در شرایطی که فضای اقتصادی و سیاسی با نااطمینانی همراه است، همچنان امکان انجام معاملات را فراهم می‌کند. در بازارهایی مانند مسکن و خودرو، ممکن است با افزایش ریسک‌ها، رکود معاملاتی شکل بگیرد و خرید و فروش کاهش پیدا کند؛ اما در بورس، معاملات می‌توانند در شرایط مثبت یا منفی ادامه داشته باشند. همین ویژگی باعث می‌شود آثار تحولات سیاسی و اقتصادی با سرعت بیشتری در قیمت سهام منعکس شود و تغییر انتظارات سرمایه‌گذاران را بتوان در روند معاملات مشاهده کرد. از این منظر، نسبت دادن عنوان «قربانی ریسک‌های سیاسی» به بازار سرمایه چندان دقیق نیست. بورس بازاری است که به دلیل ساختار معاملاتی خود، امکان انعکاس سریع تحولات را دارد و این ویژگی لزوما به معنای آسیب‌پذیری غیرمنطقی آن نیست. زمانی که ریسک‌های سیستماتیک، به‌ویژه ریسک‌های ژئوپلیتیک، افزایش پیدا می‌کنند، طبیعی است که سرمایه‌گذاران در ارزیابی شرایط آینده تجدیدنظر کنند و این تغییر ارزیابی در قیمت دارایی‌ها نمود پیدا کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازار سهام، نقدشوندگی بالای آن در مقایسه با بسیاری از بازارهای دارایی است. سرمایه‌گذار در بورس می‌تواند در چارچوب مقررات معاملاتی، دارایی خود را به فروش برساند یا برای خرید سهام اقدام کند. این در حالی است که در بازار مسکن و خودرو، انجام معامله به عوامل متعددی وابسته است و ممکن است در شرایط نااطمینانی، فروشنده و خریدار برای مدتی از انجام معامله خودداری کنند. بنابراین، کاهش قیمت‌ها در بورس را نمی‌توان به تنهایی نشانه‌ای از قربانی شدن این بازار دانست. در بسیاری از موارد، افت قیمت‌ها نتیجه انعکاس سریع‌تر شرایط جدید در انتظارات معامله‌گران است. بازار سهام این امکان را دارد که تغییر ارزیابی سرمایه‌گذاران از وضعیت اقتصادی، چشم‌انداز شرکت‌ها و سطح ریسک را در قیمت‌ها منعکس کند؛ در حالی که در بازارهای کم‌معامله‌تر، ممکن است تغییرات شرایط به سرعت در قیمت‌های ثبت‌شده دیده نشود. البته این ویژگی به معنای آن نیست که بورس همواره بهترین عملکرد را دارد یا تمام واکنش‌های آن دقیق و متناسب با واقعیت‌های اقتصادی است. گاهی شدت واکنش‌ها از اندازه تغییرات بنیادی فراتر می‌رود و آنچه در ادبیات بازار با عنوان «بیش‌واکنش» شناخته می‌شود، شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، هیجان و نگرانی معامله‌گران می‌تواند به تشدید فشار فروش منجر شود. ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۳

بازنگری در حکمرانی اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است

وحید شقاقی شهری

اقتصاد ایران در شرایط کنونی با مجموعه‌ای از فشارهای همزمان اقتصادی، سیاسی و نظامی مواجه است که ادامه الگوی گذشته حکمرانی اقتصادی را با محدودیت‌های جدی روبه‌رو می‌کند. در شرایطی که کشور با تحریم‌های طولانی‌مدت، جنگ و محاصره اقتصادی مواجه است، نمی‌توان با همان سیاست‌هایی که در دوره‌های پیشین دنبال شده‌اند، انتظار حفظ ثبات و تقویت تاب‌آوری اقتصاد ملی را داشت. اگر راهبرد کشور مقاومت در برابر فشارهای خارجی باشد، باید پذیرفت که این انتخاب به بازنگری جدی در ساختار اقتصادی و شیوه تخصیص منابع نیاز دارد.

از نگاه من، کشور در برابر دو مسیر دشوار قرار گرفته است؛ مسیر نخست، پذیرش خواسته‌هایی است که از سوی دولت ترامپ مطرح می‌شود و می‌تواند به محدود شدن ظرفیت‌های راهبردی و استقلال سیاسی ایران منجر شود. مسیر دوم، مقاومت در برابر این فشارهاست؛ مسیری که با توجه به وضعیت اقتصادی، تحریم‌های طولانی‌مدت، شرایط سرمایه اجتماعی و هزینه‌های ضروری دفاع، دشواری‌های قابل توجهی دارد. با این حال، اگر استقلال سیاسی و حفظ ظرفیت‌های ملی مبنای تصمیم‌گیری باشد، مقاومت باید با بازطراحی حکمرانی اقتصادی همراه شود، نه اینکه صرفا به ادامه شیوه‌های پیشین محدود بماند. الگوی اقتصادی گذشته بر صادرات نفت، واردات گسترده، رانت‌محوری و مصرف منابع ارزی در ساختاری متکی بوده که در شرایط محدودیت شدید دسترسی به منابع خارجی، آسیب‌پذیری بالایی دارد. در وضعیت محاصره اقتصادی، ادامه این الگو امکان‌پذیر نیست. دست‌کم در دو سال آینده، باید سیاست‌های اقتصادی بر مبنای یک اقتصاد بسته‌تر، درون‌زا و متکی بر ظرفیت‌های تولیدی داخل تنظیم شود؛ اقتصادی که بتواند نیازهای اساسی کشور را با وابستگی کمتر به واردات تامین کند و در برابر شوک‌های خارجی تاب‌آوری بیشتری داشته باشد.

نخستین ضرورت در این مسیر، اتخاذ سیاست‌های تثبیت اقتصادی است. در شرایط جنگ و رکود تورمی، بی‌ثباتی در بازارها و نبود پیش‌بینی‌پذیری می‌تواند فشار بر خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی را افزایش دهد. سیاست‌گذاری باید به گونه‌ای باشد که از تشدید بی‌ثباتی جلوگیری کند و امکان برنامه‌ریزی برای تولید، تجارت و تامین نیازهای ضروری را فراهم آورد. تثبیت اقتصادی در چنین شرایطی به معنای نادیده گرفتن محدودیت‌ها نیست، بلکه مستلزم مدیریت دقیق منابع محدود و جلوگیری از تصمیم‌های پراکنده و متناقض است. در کنار تثبیت اقتصادی، حکمرانی داده‌محور باید به یکی از پایه‌های اصلی اداره اقتصاد تبدیل شود. مدیریت منابع پولی، مالیاتی، حمایتی و تجاری بدون دسترسی به اطلاعات دقیق و به‌روز، احتمال خطا در سیاستگذاری و هدررفت منابع را افزایش می‌دهد. در حوزه پولی، جریان نقدینگی و خلق پول در شبکه بین‌بانکی باید به‌صورت مستمر رصد شود. در حوزه مالیاتی نیز لازم است اطلاعات مربوط به تراکنش‌ها و صورتحساب‌های الکترونیکی مبنای مالیات‌ستانی قرار گیرد تا امکان شناسایی دقیق‌تر فعالیت‌های اقتصادی و کاهش فرار مالیاتی فراهم شود. حمایت از خانوارها نیز باید از روش‌های عمومی و کم‌هدفمند فاصله بگیرد و بر اساس وسع‌سنجی پویا و اطلاعات معتبر انجام شود. ادامه در صفحه ۷

یادداشت-۲

انتهای سیری ناپذیر مصرف گاز

حسن مرادی

با فرارسیدن روزهای سرد سال، کابوس ناترازی و افت فشار گاز بار دیگر به سراغ اقتصاد و صنایع کشور آمده است؛ بحرانی که ریشه در دو عامل بنیادین دارد: از سویی آسیب‌های زیرساختی و افت فشار طبیعی میادین که طبق برآوردها ظرفیت تولید را بین ۲۰ تا ۵۰ درصد کاهش داده و از سوی دیگر الگوی مصرف بی‌محابا و توأم با اتلافی که دهه‌هاست بر رفتار مشترکان خانگی و اداری سایه انداخته است. در این میان، جولان بیش از ۲۵ میلیون بخاری گازی غیراستاندارد در کشور، به منزله دود کردن بی‌بازگشت ثروت ملی و ارزی است که می‌توانست پیشران توسعه و صادرات انرژی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی باشد؛ هشداری جدی که نشان می‌دهد بدون جراحی فوری در مدیریت مصرف و اصلاح تجهیزات حرارتی، عبور از زمستان پیش‌رو بدون بحران ناممکن خواهد بود. خطر کمبود و افت فشار گاز در زمستان پیش‌رو کاملاً جدی و ملموس است. واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد که از یک سو، زیرساخت‌ها و تأسیسات انرژی در پی تحولات اخیر و فشارهای ناشی از تخریب‌ها و فرسودگی آسیب‌هایی دیده‌اند و هرچند تلاش شبانه‌روزی صنعتگران و مهندسان برای ترمیم و بازسازی ادامه دارد، اما کاهش طبیعی فشار مخازن گاز و افت تولید واقعیتی انکارناپذیر است. آمارهای گوناگون از کاهش ۲۰ تا ۵۰ درصدی توان تولید گاز حکایت دارند. با این حال، پرسش کلیدی اینجاست: در شرایطی که کفگیر تولید گاز به ته دیگ خورده، چرا در طرف مصرف همچنان بی‌محابا‌ترین کشور جهان در سوزاندن این سرمایه بی‌بدیل هستیم؟ نگاهی به تجربه زیسته در کشورهای صنعتی گویای حقایق تلخی است. شخصا بیش از ۱۰ سال در اروپا و سایر کشورها زیسته‌ام. کشوری مانند بریتانیا با جمعیتی مشابه ما و زمستان‌هایی به مراتب سردتر و طولانی‌تر، چندین برابر کمتر از ایران گاز مصرف می‌کند. ریشه این پرمصرفی مفرط به دهه‌های پیش و زمان آغاز گازرسانی در اوایل دهه ۵۰ بازمی‌گردد؛ روزهایی که شبکه گاز شهری بدون نصب کنتور به خانه‌ها متصل شد و این پندار نادرست را جا انداخت که گاز چاه‌های کشور منبعی بی‌پایان و رایگان است؛ تا جایی که حتی در پارکینگ‌ها مشعل روشن می‌کردند تا موتور خودروها در سرما یخ نزند! قیمت‌گذاری فوق‌العاده ارزان، فرهنگ مصرف را از پایه تخریب کرد و این ثروت ملی را در نگاه عموم به امری بی‌ارزش فروکاست. این بی‌مبالاتی در ساده‌ترین رفتارهای روزمره به چشم می‌خورد. در یک خانواده دونفره، به جای استفاده از وسایل متناسب و ذخیره آب گرم در فلاسک، کتری‌های چند لیتری ساعت‌ها بر روی شعله‌های پرحرارت می‌جوشند؛ رفتاری که نه‌تنها اتلاف مستقیم انرژی است، بلکه از منظر اصول بهداشتی نیز آبی عاری از املاح مفید برجای می‌گذارد. در بخش گرمایش، وضعیت به‌مراتب فاجعه‌بارتر است. در بسیاری از ادارات و مراکز درمانی دولتی و دانشگاهی، رادیاتورها با حداکثر ظرفیت داغ شده‌اند و همزمان پنجره‌ها باز گذاشته می‌شود تا «هوای تازه» بیاید؛ غافل از اینکه هوای گرم‌شده مستقیماً به آسمان فرستاده می‌شود. موتورخانه‌های قدیمی با هدررفت حرارتی سرسام‌آور اداره می‌شوند و فرهنگ تفکیک گرمایش اتاق‌ها در منازل وجود ندارد. در خانه‌های ایرانی، تمام اتاق‌های بلااستفاده صرفاً برای اینکه دمای یکسانی با سالن پذیرایی داشته باشند، شبانه‌روز گرم می‌شوند... ادامه در صفحه ۳